

کابل به اسلام آباد:

تنها طالب پاکستانی را آماج قرار ندهید

اسلام آباد: تبعیضی نیست، همه را نابود می‌کنیم

نگرانی مجلس از افزایش ناامنی



توقف عملیات شبانه، آزادی زندانیان طالب، زمانگیر شدن روند انتخابات، تنبلی مسوولان امنیتی محلی و عدم نظارت مقام‌های عالی رتبه از آنان، از دلایل افزایش ناامنی‌ها در این ولایات هستند. یک نماینده لوگر: اخیراً امنیت ولایت لوگر به شدت خراب شده است. طالبان خانه به خانه می‌روند و مردم را می‌کشند. قوماندانی امنیه ولایت لوگر به ساقی خانه تبدیل شده است. مسوولان آن در تمام روز نشه اند و بچه نگاه می‌کنند و مقام‌های عالی رتبه امنیتی نیز از آنان پرسان نمی‌کنند

صفحه ۶



صفحه ۶

سفیر امریکا به دو نامزد ریاست جمهوری:

از اختلاف در بازشماری آرا پرهیز کنید



با دو کاندیدای ریاست جمهوری افغانستان و نماینده سازمان ملل برای کسب نتیجه اطمینان بخش تلاش می‌کنیم، اما اختلاف نظرها در مورد چه گونه‌گی بازشماری آرا بین دو کاندیدا هنوز هم حل نشده است. این در حالی است که دو روز پیش روند بازشماری ۱۰۰ درصدی آرای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری افغانستان... ادامه صفحه ۶

سفیر امریکا در کابل از هر دو کاندیدای ریاست جمهوری کشور خواست که از اختلاف نظرها در روند بازشماری آرا پرهیز کنند. جیمز کانینگهام سفیر امریکا در افغانستان روز گذشته در گفت‌وگو با رسانه‌ها از هر دو کاندیدای ریاست جمهوری افغانستان خواست تا از اختلاف نظرها در مورد بازشماری آرا پرهیز کنند. کانینگهام گفت: علیرغم این که در ماه‌های اخیر

در برگ‌ها



رویاهای کودکان غزه و ارگون را چه کسی گریه خواهد کرد؟ تقدیم به انارکلی سرزمینم

دنیای شدن



در مکتب تمدن آفرین رمضان



تصویب توافقنامه اتصال مرزی افغانستان با چین و تاجیکستان

فراخوان:

طرح تشکیل «دولت وحدت ملی» را در راستای انتقال مسالمت آمیز قدرت در این مرحله حساس و تاریخی گذار، از مدت زمانی بدینسو پیشنهاد داده بودیم. امروز خوشبختانه با توافق کاندیدان محترم ریاست جمهوری و با حضور نماینده گان جامعه جهانی، این طرح در شکست بن پست انتخابات به عنوان یگانه گزینه سیاسی مطرح می‌باشد.

کنفرانس آجندای ملی که افتخار ابتکار این طرح را دارد، به سلسله‌ی نشست‌های قبلی تحت عنوان (انتخابات و ایجاد دولت وحدت ملی) محفلی را به هدف توضیح اهداف، مولفه‌ها، مبانی و ساختار دولت وحدت ملی در شرایط موجود کشور و نحوه شکل‌گیری آن با حضور نخبه‌گان سیاسی-مدنی تیم‌های انتخاباتی برگزار می‌نماید.

با اشتراک و سهم‌گیری فعال تان در کار و موفقیت «طرح تشکیل دولت وحدت ملی» مسئولیت ملی و دین وطنی خویش را ادا نموده باعث استحکام دولت ملی در آینده کشور خواهید گردید.

یادداشت: کتابی تحت عنوان (طرح تشکیل دولت وحدت ملی در افغانستان) اثر احمد ولی مسعود که جدیداً از چاپ بیرون آمده است نیز به دسترس شما قرار خواهد گرفت

زمان: چهارشنبه ۱ اسد ۱۳۹۳ مطابق ۲۳ جولای ۲۰۱۴

ساعت: ۱۰:۳۰ صبح الی ۱۲:۳۰

مکان: انترکانتینتال

شماره‌های تماس: ۰۷۸۶۲۰۱۲۰۱ - ۰۷۰۰۲۷۷۷۸۱ - ۰۷۸۷۳۴۶۴۳۰

کنفرانس آجندای ملی

د ملی آجندا کنفرانس

National Agenda Conference

احمد عمران

روپاهای کودکان غزه و ارگون را چه کسی گریه خواهد کرد؟

تقدیم به انارکلی سرزمین



انارکلی در کنار آن دو کودک، تصویر ذهنی ام را از آن چه که اتفاق افتاده، کامل کرد. او نیز چونان کودکی گریست. گریستن، نشانه روشن کودکی است. با خود اندیشیدم که آیا ما به حق «انارکلی» این سرزمین جفا روا نداشته‌ایم؟ آیا برخی از ما با موضع‌گیری تند نمی‌خواستیم حق شهروندی «انارکلی» این سرزمین را که چنین سوزناک در غم کودکان آن می‌گرید، از او سلب کنیم؟ و آیا همین اکنون بر اساس قانونی که در شورای ملی به تصویب رسیده، هندو باوران این سرزمین - که بدون شک در حقوق شهروندی با همه ساکنان افغانستان مساوی اند - حق انتخاب شدن را دارند؟

انارکلی در کنار ما برای کودکان این سرزمین مویه سر می‌دهد، درحالی‌که برخی از قرائت‌های رسمی و غیررسمی که به نام شریعت ارائه می‌شود، حضور او را در مجلس بر نمی‌تابد.

روپاهای کودکان را همواره افراط‌گرایی مخدوش کرده است. کودکان بدون آن که به جنس، زبان و نژاد فکر کنند، انسانیت انسان‌ها را می‌فهمند. کودکان غزه و ارگون، حق هیچ انسانی را تلف نکرده‌اند. آنان زنده‌گی را برای همه می‌خواهند. آن‌ها در حالی به چنین سرنوشت شومی گرفتار می‌شوند که حتا شرق و غرب جهان را هم نمی‌شناسند. آنان نمی‌دانند که چه‌گونه انسان‌ها به سیاه و سفید بخش می‌شوند. همان‌گونه که شماری از ما انارکلی را بر نمی‌تابند، عده‌ی نیز نمی‌خواهند که کودکان غزه و ارگون روپاهای شان را برای یک‌دیگر قصه کنند.

چه سرنوشت تاریکی را برای شان رقم زده است.

ایدیولوژی‌ها با کودکان خواب ندیده‌اند، صمیمیت را نمی‌شناسند، در سایه‌سار درختان به دنبال پروانه‌های خوش‌رنگ ندیده‌اند، در آب‌های جهان آب‌بازی نکرده‌اند و در آغوش پُرمهر مادری رویا نیاخته‌اند.

ارگون و غزه برای کودکان می‌گریند. آن دو تصویر در برابر ما است؛ دو تصویر از دو کودک که زبان مشترک کودکانه دارند. آن‌ها حرف‌های یک‌دیگر را می‌فهمند و با زبان‌های یک‌دیگر به خوبی آشنایند.

کودکان جهان همه به یک زبان حرف می‌زنند. آن‌ها نمی‌دانند که وقتی بزرگ شدند، دیگر زبان مشترک‌شان را به یمن بزرگ‌ترهای خوش‌فکرشان، فراموش خواهند کرد و به زبان تفنگ سخن خواهند گفت؛ همان زبانی که طالبان و صهیونیسم به آن سخن می‌گویند. طالبان و صهیونیسم هم به زبان مشترک رسیده‌اند؛ چرا که همه قاتلان جهان، زبان مشترک دارند. آن‌ها به زبان خشونت سخن می‌گویند.

تصویر دیگری نیز چند روز پس از حادثه ارگون و غزه، در کنار تصویرهای دو کودک در ذهن جا باز کرده است. این تصویر از انارکلی عضو سنای افغانستان است. تصویر اشک‌های انارکلی و تصویرهای کودکان در ذهن پس و پیش می‌شوند. انارکلی در غم خواهران و برادران افغانستانی‌اش در نشست علنی مجلس سنا اشک ریخت. او گفت که توان دیدن کودکان به خون خفته این سرزمین را ندارد.

ارگون در افغانستان و غزه در فلسطین، این روزها سرنوشت مشترکی دارند. هر دو سیاه‌پوش و ماتم‌زده‌اند. هر دو در خون و آتش سوخته‌اند. هر دو در غم کودکان خود مویه می‌کنند.

دو تصویر از دو کودک را دیدم که بسیار شبیه به هم بودند؛ یکی از ارگون و دیگری از غزه. هر دو مجروح و افتاده در بستر شفاخانه. هر دو اشک‌ریزان برای از دست دادن نزدیکان‌شان. دو مادر در دو گور، و دو کودک در دو بیمارستان در دو سوی جهان. سرنوشت روپاهای این کودکان چه می‌شود؟ آیا بازهم رویایی خواهند داشت؟ آیا بازهم برای اسباب‌بازی‌های‌شان ترانه و تبسم هدیه خواهند کرد؟ چرا باید دنیای زیبای کودکان، چنین در حرص و آز بزرگان ویران شود؟

کودکان بدون آن که شرق و غرب جهان را بشناسند، در آتشی می‌سوزند که بزرگ‌ترها آن را فروخته‌اند. ایدیولوژی صهیونیسم، غزه را به خاک و خون می‌کشد و ایدیولوژی طالبانی، بمب در بازار ارگون منفجر می‌کند. یکی به سمت انسان‌های بی‌گناه خمپاره و راکت شلیک می‌کند و دیگری خواب‌های کودکان را به کابوس مبدل می‌سازد. کودک فلسطینی و افغانستانی اما چه گناهی مرتکب شده‌اند که باید این‌گونه بسوزند؟ کدام دین فتوا به قتل داده است که جنایت‌پیشه‌گان خود را پیرو آن می‌دانند؟

کودکان، شادمانی بی‌سبب جهان‌اند. جهان بی‌رویای کودکان، برهوتی بیش نیست. کودکان معصوم‌ترین قربانیان تاریخ‌اند که نمی‌دانند سیم‌های خاردار ایدیولوژی‌ها،

سخن‌ماندگار

قیمت‌ها را در آستانه عید کنترل کنید!

در افغانستان معمول است که همه‌ساله با فرا رسیدن ماه مبارک رمضان، قیمت‌ها بالا می‌رود و با نزدیک شدن عید در این ماه، سیر صعودی نرخ‌ها شتاب می‌گیرد. مردم بی‌چاره و فقیر، شلاق‌های سخت و جان‌کاهی را در چنین ایام تحمل می‌کنند.

با نزدیک شدن هر عید، نرخ برخی اجناس از قبیل لباس، میوه‌های خشک و تر و در مجموع مواد عیدانه افزایش سرسام‌آور می‌یابد که این امر، همواره اعتراض و نارضایتی مردم را به دنبال داشته است. مردم بی‌بضاعت افغانستان در این ایام، با توجه به رسومی که در میان‌شان نهادینه شده، ناچارند این مصارف سنگین و کمرشکن را به دوش بگیرند و متقبل شوند.

هیچ کنترل و بازخواست دقیقی هم از جانب نهادهای مسوول، روی قیمت‌ها وجود ندارد و هر که هر چه را هر قدر خواست، می‌فروشد. از این رو مردم بی‌چاره این نرخ‌های ظالمانه را تحمل کرده و می‌کنند.

می‌گویند در سالیان بسیار گذشته، شهرداری بخشی به نام «مدیریت کنترل قیمت» داشت که از هر نوع سودجویی غیرمعارف و گران‌فروشی جلوگیری می‌کرد. اما اکنون این اداره فعالیت ندارد و اگر فعالیت هم می‌داشت، خود به یکی از منابع اصلی فساد تبدیل می‌گشت که نه تنها قیمت‌ها را کنترل نمی‌کرد، بلکه زمینه گران‌فروشی را مساعد می‌ساخت.

وقتی به بازارها سری بزنی، می‌بینی همه از این شکایت دارند که «چرا در روزهای نزدیک به عید، نرخ تمام اجناس به‌خصوص لباس و میوه خشک بسیار بالا می‌رود؟ چرا تجار و دکان‌داران از ضرورت مبرم مردم به برخی کالاها سوءاستفاده کرده و آن‌ها را به قیمت‌های گزاف به فروش می‌رسانند؟»

شکی نیست که با بالا رفتن تقاضا، قیمت مواد نیز به گونه نسبی می‌رود؛ اما در افغانستان این فرمول از دایره اعتدال و منطق خارج شده است. واضح است که عمده‌ترین دلیل افزایش قیمت‌ها، بی‌عدالتی و عدم پابندی به ارزش‌های اخلاقی، انسانی و اسلامی است. اکثر تاجران و عمده‌فروشان و دکان‌داران ما میل دارند که از فرصت‌هایی نظیر عید فطر و قربان، کمال بهره را ببرند و با افزایش تصنعی قیمت‌ها، سودهای کلانی را به جیب بزنند.

به‌رغم این همه، اکنون که در آستانه فرا رسیدن عید سعید فطر قرار داریم، امیدواریم که نهادهای مسوول دولتی به وظایف قانونی خویش عمل کنند؛ با تجار متخلف، محتکران و گران‌فروشان برخورد کنند و نگذارند که سودجویان حریص در روزهای عید، خون مردم را در شیشه کنند. اما از طرف دیگر، امیدواریم که همه قشرهای مسلمان افغانستان به برکت ماه میهمانی خدا (رمضان)، صاحب ضمائر عدالت‌جو و وجدان‌های پاک شوند و خود بدون دخالت و نظارت هیچ قوه بیرونی، رفتار و کردار خود را پالایش دهند.

انتظار این است که دولت نخستین قدم را بردارد و بر کنترل نرخ‌ها توجه داشته باشد؛ زیرا یکی از مسوولیت‌های اصلی دولت‌ها این است که اجازه ندهند تاجران و قدرت‌مندان بر ناتوانان و بی‌چاره‌گان ظلم روا بدارند. اما دولتی که همه ارکانش به فساد متهم است، چه‌گونه می‌تواند به کنترل قیمت‌ها بپردازد؟

با این حساب، می‌بینیم که بی‌عدالتی و فساد در افغانستان سر دراز دارد و به چند روز و چند ماه نمی‌شود آن را از میان برداشت. اما دست‌کم این انتظار را می‌توان از همه دولت‌مداران، بزرگان و ثروت‌مندان مسلمان این کشور داشت که در ایام و مناسبت‌های اسلامی ماه رمضان و عید سعید فطر و قربان، اندکی از منافع بزرگ و سرشار خود چشم‌پوشند و با پرهیز از گران‌فروشی، با مردم بی‌بضاعت افغانستان کمک و همکاری کنند.

جانانان مارکوس - بی‌بی‌سی

بحران غزه؛ نقطه عطف یا نقطه اوج؟



گل‌له‌باران سنگین منطقه شجاعیه در شرق غزه، که ده‌ها کشته به جا گذاشته، می‌تواند نقطه عطفی در بحران تازه خاورمیانه باشد.

اما این تحول به آن معنا نیست که درگیری‌ها به نقطه اوج خود رسیده است. ارتش اسرائیل می‌گوید هنوز ماموریتش به نتیجه نرسیده است.

حماس هم به نظر می‌آید که از توانایی‌اش برای آزار دادن نیروهای نظامی اسرائیل، دل و جرات بیشتری پیدا کرده و چندان به فکر پایان دادن به ماجرا نیست.

اما این واقعیت که درگیری به مناطق پرجمعیت شهری رسیده و گزارش‌ها از درگیری‌های خانه‌به‌خانه، به این معناست که تلفات غیرنظامیان به شکل چشمگیری افزایش خواهد یافت.

هم‌زمان فشار خارجی هم برای پایان دادن کامل به این درگیری تشدید خواهد شد.

سلاح زیرزمینی بارها مطرح شده است که این یک جنگ کلاسیک نامتعارف میان ضعیف و قوی است.

توان حماس و گروه‌های فلسطینی به هیچ وجه نمی‌تواند با قدرت نظامی اسرائیل برابری کند.

در واقع فارغ از توان تهاجمی اسرائیل، سیستم دفاع موشکی «گنبد آهنین» نقشی حیاتی در تعیین مسیر و سرنوشت درگیری‌ها داشته است.

راکت‌هایی که از غزه پرتاب می‌شود چیزی نیست که هیچ دولتی با آن کنار بیاید. اما به نظر می‌آید توان گنبد آهنین در خنثی کردن راکت‌های دوربرد فلسطینی‌ها عملیات زمینی اسرائیل را به تعویق انداخت و اگر سیر وقایع به شکل دیگری پیش می‌رفت شاید کار به اینجا نمی‌کشید.

با وجود این سیستم دفاعی، شلیک راکت و خمپاره از نوار غزه ادامه پیدا کرد و دو غیرنظامی اسرائیلی را کشت. اما حماس سلاح دیگری دارد که شاید دلیل اصلی آغاز عملیات زمینی اسرائیل باشد؛ «تونل‌های زیرزمینی».

گروه‌هایی از اعضای حماس آشکارا آماده بودند که از طریق این تونل‌ها به خاک اسرائیل نفوذ کنند، هر چند اسرائیل این نقشه را از همان ابتدا نقش بر آب کرد.

عملیات ارتش اسرائیل در مراحل اولیه بیشتر به نقاط مرزی و کم‌جمعیت محدود می‌شد.

اما بعد از آن که یک نفر غیرنظامی اسرائیلی روز شنبه در کمین نظامی گروه‌های فلسطینی گرفتار شد و دو سرباز اسرائیلی کشته شدند، فرماندهان ارتش تصمیم به افزایش

وعده همکاری پوتین در تحقیق

علت سقوط هواپیمای مالیزیایی



تا به حال جدایی طلبان تا دندان مسلح جلو کار کارشناسان هوانوردی را در محل سقوط هواپیمای «ام اچ ۱۷» مالیزیایی در شرق اوکراین گرفته اند. غرب کم‌کم صبرش به پایان می‌رسد و مسکو را تهدید می‌کند.

با توجه به فشار رو به افزایش جامعه بین‌المللی، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه برای روشنگری در مورد پرتاب احتمالی راکت و سرنوشتی یک هواپیمای اوکراینی وعده «همکاری کامل» داده است.

براساس گزارش‌ها، پوتین در یک گفتگوی تلفونی با مارک روت، نخست‌وزیر هالند وعده داده که در واگذاری اجساد و همچنین جعبه سیاه هواپیمای بوئینگ ۷۷۷ کمک می‌کند. رئیس‌جمهور روسیه در یک گفتگوی تلفونی با تونی ابوت، رئیس‌جمهور استرالیا نیز نشان داده که آماده همکاری می‌باشد.

هواپیمای شرکت هواپیمایی مالیزیا پنج شنبه شب با ۲۹۸ سرنشین سقوط کرد. بیشتر سرنشینان این هواپیمای هالندی بودند. در حال حاضر بخش بزرگی از اجساد داخل یک قطار در شهر تورس هستند. شورشیان مسلح در شرق اوکراین از اتاق‌های سردخانه این قطار که اجساد در آن نگهداری می‌شوند، مراقبت می‌کنند. جدایی طلبان می‌گویند که جعبه سیاه هواپیمای اوکراینی در دست دارند. به گفته نخست‌وزیر هالند، قرار است که کارشناسان هالندی روز دوشنبه شناسایی اجساد را آغاز کنند.

بریتانیای کبیر، فرانسه و آلمان بیش از این فشار بر پوتین را افزایش داده و مسکو را به اقدام‌های تعزیری تهدید کردند. انگل، مرکل، صدراعظم آلمان، دیوید کامرون، نخست‌وزیر بریتانیا و فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهور فرانسه از پوتین خواسته‌اند که از نفوذ خود بر جدایی طلبان طرفدار روسیه استفاده کرده و از آن‌ها بخواهد که به کارشناسان مستقل اجازه ورود به محل سقوط را بدهند.

شورای امنیت سازمان ملل احتمالاً روز دوشنبه در مورد تصویب یک قطعنامه درباره سقوط هواپیمای مالیزیایی می‌کند. در این قطعنامه پایان همه درگیری‌ها پیرامون محل سقوط درخواست خواهد شد. افزون بر این از همه فعالان در منطقه و در میان آن‌ها از روسیه نیز درخواست خواهد شد که با بازرسان بین‌المللی همکاری کنند. مسکو ممکن است که با استفاده از حق ویتو از تصویب این قطعنامه جلوگیری کند.

حکومت ایالات متحده آمریکا با لحنی صریح تر از گذشته روسیه را در سقوط این هواپیمای مقصر دانسته است. جان کری، وزیر خارجه ایالات متحده گفت که سیستم پرتاب راکت که گفته می‌شود هواپیمای اوکراینی را سرنوشت داده است، فقط «از طریق روسیه می‌تواند به دست جدایی طلبان» افتاده باشد.

هواپیمای شرکت هواپیمایی مالیزیا، طبق ارزیابی کارشناسان آمریکایی مورد هدف یک راکت قرار گرفته است که از منطقه تحت کنترل جدایی طلبان شلیک شده است. حکومت اوکراین نیز شورشیان را متهم می‌کند، در حالی که آن‌ها کیف را مسئول این سقوط می‌دانند.

نخست‌وزیر اوکراین خطاب به پوتین:

دیگر بس است!

نخست‌وزیر اوکراین در سخنانی تاکید کرد: هر آنچه ولادیمیر پوتین تاکنون انجام داده است، کافی است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، آرسنی یاتسنیوک، نخست‌وزیر اوکراین روز دوشنبه گفت: ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه باید این مسأله را درک کند که ما آزرده شده‌ایم و می‌خواهیم که او دست از کارهایش بردارد و هر آنچه تاکنون انجام داده است، بس است.

وی با انتقاد از رهبر روسیه برای تامین سلاح برای شورشیان برای جنگ با نیروهای دولتی اوکراین در مناطق شرقی گفت: من هیچ چیزی از دولت روسیه انتظار ندارم. آنها به شورشیان سلاح می‌دهند و شورش به مناطق شرقی اعزام می‌کنند. پوتین باید بفهمد که دیگر بس است. آنها ما را آزرده کرده‌اند. این جنگ بین روسیه و اوکراین نیست، بلکه یک درگیری بین‌المللی است.

نخست‌وزیر اوکراین در جریان کنفرانس خبری خود گفت: روسیه در طرف تاریک تاریخ ایستاده است؛ در طرفی که اهریمن حضور دارد.

دامنه عملیات زمینی و حمله به منطقه پرجمعیت شجاعیه گرفتند.

بسیاری از غیرنظامیان از این منطقه فرار کرده‌اند اما خیلی‌ها هنوز آنجا گرفتارند.

درگیری‌ها نزدیک‌تر و تلخ‌تر شده و تلفات طرف اسرائیلی را هم افزایش داده است.

این دقیقاً همان چیزی است که فرماندهان نظامی حماس به دنبال آن هستند: کشیدن نیروهای اسرائیلی به موضعی روی زمین که برای جنگ مدرن مناسب نیستند اما حماس از قبل برایش آماده شده است.

هدف نهایی از همان ابتدا اسرائیل با دو مشکل عمده برای آغاز عملیات زمینی روبه‌رو بود.

اول خطر افزایش چشمگیر تلفات غیرانسانی و هم‌زمان خطر کشته شدن سربازان اسرائیلی. الان هر دوی این‌ها در حال رخ دادن است.

حماس - که از تلفات دقیق اعضای آن خبری در دست نیست - و به ویژه غیرنظامیان فلسطینی، سوگوار قربانیان خود در این حملات هستند. اما فشار روی طرف اسرائیلی در حال افزایش است.

«داعش از چنگیزخان مغول بدتر است»



اسقف کلیسای کاتولیک عراق گفت: داعش که مسیحیان را از موصل رانده، بدتر از چنگیزخان مغول و هولاکوخان، نواده وی رفتار می‌کند که در دوران قرون وسطی به بغداد حمله کرد و این شهر را به یغما برد.

به گزارش خبرگزاری رویترز، لوئیس رافائل ساکو، اسقف کلیسای کاتولیک عراق از اقدامات تهدیدآمیز داعش علیه مسیحیان مبنی بر اینکه یا بایستی دین خود را تغییر دهند، یا جزیه دهند یا با شمشیر کشته می‌شوند، انتقاد کرد.

پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان در واتیکان نیز تحت پیگرد قرار دادن مسیحیان در موصل را مورد نكوهش قرار داد و بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل نیز گفت: اقدامات داعش ارتکاب جرایم علیه بشریت است.

در پی اولتیماتوم داعش به مسیحیان موصل، خانواده‌های مسیحی این شهر گروه گروه موصل را ترک گفته و به مناطق همجوار پناه برده‌اند. همچنین پیروان سایر ادیان نیز از بیم حملات بیشتر داعش و تخریب مساجد و ابنیه مذهبی، از این شهر فرار کرده‌اند.

اسقف کلیسای کاتولیک عراق همچنین ادامه داد: جرایم و جنایات داعش نه تنها علیه مسیحیان بلکه علیه بشریت است. چگونگی در قرن ۲۱ مردم را مجبور می‌کنند تنها به خاطر اینکه مسیحی، شیعه یا سنی هستند، از خانه‌هایشان بروند و شهرهایشان را ترک کنند؟ خانواده‌های مسیحی را از خانه‌هایشان بیرون کرده و اموال با ارزششان را سرتقت کرده‌اند. این رخدادها هیچ‌گاه در تاریخ اسلام یا مسیحیت رخ نداده است. هولاکوخان مغول، نواده چنگیزخان در رأس هیأتی نظامی به سال ۱۲۵۸ میلادی به بغداد حمله‌ور شد و پس از کشتار ده‌ها هزار تن، خلافت بغداد را با ۶۰۰ سال قدمت از بین برد و این شهر را برای قرن‌های متمادی خرابه و ویرانه گذاشت.

یکی از معاونان اسقف کلیسای کاتولیک عراق نیز خواستار واکنش بین‌المللی در قبال اقدامات داعش شد و گفت: جهان بایستی واکنش نشان دهد و مسأله حقوق بشر را مدنظر قرار دهد. ما تاکنون هیچ واکنشی از سوی روحانیون یا از جانب

وزیر خارجه انگلیس: در صورت عدم تغییر،

از اتحادیه اروپا خارج می‌شویم

وزیر خارجه جدید انگلیس بر مواضع پیشین این کشور مبنی بر اینکه اگر لندن مذاکرات مجدد خوبی نداشته باشد باید اتحادیه اروپا را ترک کند، تاکید کرد.

به گزارش خبرگزاری رویترز، فیلیپ هاموند، وزیر خارجه جدید انگلیس در مصاحبه‌ای با شبکه بی.بی.سی بر مواضع پیشین خود تاکید کرد. هاموند پیشتر اعلام کرده بود که اگر اتحادیه اروپا تغییر و با شروط جدید عضویت انگلیس موافقت نکند، او ترجیح می‌دهد کشورش این اتحادیه را ترک کند.

هاموند در این باره گفت: اگر هیچ تغییری در نحوه اروپا و توازن رقابت بین کشورهای مجزا و اتحادیه اروپا صورت نگیرد و یا هیچ تصمیمی برای موفقیت کشورهای حوزه یورو و همزیستی با کشورهای غیر حوزه یورو گرفته نشود، این اروپایی نیست که در آینده به کار انگلیس بیاید. بنابراین تغییرات و مذاکرات مجددی باید صورت گیرد.

وی در ادامه گفت: دولت او این تصمیم را یک بار دیگر به مردم انگلیس واگذار می‌کند که مذاکرات و تغییرات اساسی در اروپا در راستای نگرانی‌های انگلیس درباره نیازهای اروپا در یک دنیای مدرن است.

هاموند اعلام کرد: کار من اکنون پیگیری این مذاکرات مجدد و آمادگی برای آن طی چند ماه آینده است. پس از انجام شدن مذاکرات مجدد درخواستش از مردم انگلیس را مطرح خواهد کرد.

هاموند درباره چگونگی مدیریت اتحادیه اروپا گفت: ما همگی در اروپا در جایگاه مشخصی هستیم. ما معتقدیم که وضع موجود راه قابل قبولی برای هدایت اروپا نیست.

فیلیپ هاموند اخیراً به سمت وزیر خارجه منصوب شد. دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس متعهد شده تا در صورت انتخاب مجدد در انتخابات سال آینده روابط انگلیس و اتحادیه اروپا را متحول کند.

بخش دوم

ده درس موفقیت از بروس لی

۲- تنها چیزی که مهم است، چیزی است که نتیجه بدهد. «با هر چیز مفیدی خودت را تطبیق بده، هر چیز بی مصرفی را دور بینداز و هر چیزی که ویژه خودت است را اضافه کن».

مدل‌ها و الگوهای تجاری مفید زیادند و کارآفرینان الهام‌بخش بسیاری وجود دارند، ولی نیازی نیست که فقط به یک روش متعهد باشید. اشکالی ندارد که کارآفرینان از منابع مختلف چیزهای مختلفی بگیرند و آن‌ها را برای نیازهای خاص خود تغییر دهند. هیچ‌کس کاملاً درست نمی‌گوید و هیچ‌کس کاملاً اشتباه نمی‌کند. مزیت روش یادگیری بروس لی این است که: حکمت مفید هر کاری را بگیر و هر چیزی که نتیجه نمی‌دهد را نادیده بینگار!

۳- روی نیازهای دیگران تمرکز کن. «زنده‌گی واقعی زنده‌گی کردن برای دیگران است».

راز موفق بودن در دنیای مدرن کسب و کار این است که چیزهایی فراهم کنید که به نفع زنده‌گی مردم باشد. شاید این توصیه واضح و مشخصی باشد، ولی هنوز کارآفرینان زیادی هستند که امیدوارند با دست‌کاری در اجناس یا تهیه محصولات بنگل، ثروت‌مند شوند. بهتر است که برای خدمت به نیازهای مردم تمرکز کنید.

۴- یاد بگیرید که انعطاف داشته باشید. «می‌بینید که تنومندترین درخت به راحتی ترک برمی‌دارد، در حالی که بامبو یا بید حتی اگر در مقابل باد خم شود، زنده می‌ماند».



اشتباهی که افرادی که وارد کسب و کار و تجارت می‌شوند مرتکب می‌شوند این است که به یک طرح و نقشه، زیادی پای بند می‌گردند. آن‌ها فراموش می‌کنند که مهم این است که به هدف برسند و طرح و نقشه فقط ابزاری برای رسیدن به هدف است. هیچ نقشه‌ی روی سنگ حکاکی نشده و باید در واکنش به شرایط متغیر، نقشه را تطبیق داد. وقتی بروس لی اولین مدرسه هنرهای رزمی‌اش را باز کرد، فقط می‌خواست پول بیشتری درآورد تا شهریه تحصیلاتش را بپردازد، ولی برای بقیه مسایل، چیزها آن‌طور که او برنامه‌ریزی کرده بود، پیش رفت.

۵- چیزها را ساده کنید. «افزایش روزانه نه، کاهش روزانه بله. غیرضروری‌ها را دور بینداز».

در تجارت این گرایش وجود دارد که پیچیده‌گی بیشتر را به موفقیت بزرگ‌تر ربط می‌دهند. به همین دلیل است که بسیاری از کمپانی‌ها و شرکت‌هایی که در ابتدا بسیار موفق بودند، نتوانستند مشتریان خود را راضی نگه دارند. پیچیده کردن مسایل فقط نوآوری را خفه می‌کند، از خلاقیت جلوگیری می‌کند و سر راه ارتباط مانع می‌تراشد. مهم است که کارآفرینان بتوانند روی چیزهای ساده تمرکز کنند.

بخش دوم و پایانی

شدن

دنیایی



برهه‌ی فیزیک یا زیست‌شناسی و در برهه‌ی اخیر جامعه‌شناسی چنین شأنی دارند.

درحالی‌که اکنون دیگر هیچ‌یک از این علوم چنین شأنی ندارند و فقط یک علم خاص و منفرد هستند. ریاضیاتی که کیلر و بعد از او کپرنیک آغاز می‌کند، یا مکانیک و فیزیکی که نیوتن با آن شروع می‌کند یا زیست‌شناسی داروین، فقط یک علم نیستند. اگر مقطع تاریخی‌یی که این علوم در آن ظهور پیدا کرده‌اند بررسی شود، می‌بینیم که مثلاً در شعرهای الکساندر پوپ در مورد نیوتن، دقیقاً مثل یک قدیس یا فراتر از آن به او نگاه می‌شود. در این‌جا علم مکانیک، گفتمانی است که همان شأنت دین در برهه‌ها و اعصار قبلی را دارد. کما این‌که جامعه‌شناسی تا چهل سال پیش چنین شأنی داشته است. شأنت معنابخشی و شأنت گفتمانی‌یی که انسان‌ها خود و جهان را در درون آن می‌فهمند و موجودیت خود را حس می‌کنند و به آن شکل می‌دهند.

۶. با این مقدمات که هر کدام در قالب کتاب مفصلی قابلیت طرح دارد، می‌توان گفت که نظریه‌های کلان تاریخی قرن هیجدهم، اساس و نسخه اولیه یا شکل بدوی و نطفه کل این نظریه‌هاست. در واقع مانند یک الهیات که کلیت جهان و عصر مدرن به شکل عینی و واقعی - نه به شکل نظری - در آن تعریف و تعیین می‌شود.

اساساً چالش جهان مدرن با دیانت و تاریخ قبل خود در قالب همین نظریه‌های تاریخی ممکن می‌شود. این نظریه‌های تاریخی، شأنتی مانند آن‌چه آلتوسر یا گرامشی از ایدئولوژی ارایه می‌دهند، دارند. ایدئولوژی به معنای چفت و بست‌های خود واقعیت که این جهان را منعکس یا محقق می‌کند و به آن تجسد یا عینیت می‌دهد و نه به عنوان یک فهم نظری. این نظریه‌های تاریخی، کپی کاملی - با یک تفاوت جوهری - از نظریه‌های دینی در باب هبوط تا عروج هستند؛ نظریه‌هایی که منشأ انسان، نحوه تصور و نهایتاً سیر آن به نقطه نهایی تاریخ - که در نظریه‌های دینی هبوط و برگشت مجدد به بهشت است - را در بیان سکولار منعکس می‌کنند.

بحران معنایی که در اواخر قرن نوزدهم با فروپاشی این نظریه‌های کلان تاریخی در جهان مدرن اتفاق افتاد، ناظر به شأن بالا و خاص این نظریه‌ها بود. اساساً در غیاب این مجموعه نظریه‌ها، جهان مدرن امکان وجود در تاریخ بشری را پیدا نمی‌کرد. این نظریه‌ها معنابخشی به موجودیت این موجود را بر عهده دارند و بدون آن‌ها، تصور جهان مدرن ممکن نیست.

انسان‌های مدرن بر اساس این نظریه‌ها، امکان چالش با تاریخ قبلی و تاریخ مدرن را پیدا می‌کنند. در نتیجه نه تنها خود را جانشین تاریخ‌های قبلی یا به طور کلی تاریخ بشر و جهان‌های گذشته فرض می‌کنند، بلکه به عنوان نقطه اوج آن می‌بینند؛ مسأله‌یی که امکان استقرار، بسط، توسعه و هم‌چنین غلبه‌یی را که بعدها در تاریخ بشری پیدا کردند، به آن‌ها داده است.

با این مقدمه اگر به نظریه‌های فلسفه تاریخی قرن هیجدهم میلادی برگردیم، ممکن است پرسیم که چه‌گونه این نظریه‌ها به وجود آمده‌اند؟ ظهور این نظریه‌ها به یک معنا طبیعی نیست! به این دلیل که هیچ کدام از رویدادهای تاریخی جهان، مؤید این نظریه‌ها نیست. اگر به واقعیت تاریخی جهان از ابتدا تا کنون نگاه کنیم، می‌بینیم که در تاریخ برهه‌های بی‌دینی بسیار نادر است.

این نوع تلقی نسبت به تاریخ، اکنون در بحث تاریخ عمومی جهان هم مطرح است. اساساً کل تاریخ غرب در برابر کل تاریخ جهان، زمانی محسوب نمی‌شود. تاریخ جهان مدرن در بحث‌های مربوط به تاریخ عمومی جهان، به لحاظ یک موجود مشخص و خاص - نه جهان مدرنی که در حال ظهور در دل سنت است که به این معنا ممکن است به قرن دهم یا یازدهم میلادی برگردد - حداکثر به قرن هیجدهم میلادی برمی‌گردد. حتا بعضی‌ها آن را به قرن نوزدهم نسبت می‌دهند.

بنابراین با نگاه به تاریخ بشریت، مدلول و مابه‌ازای مشخصی برای نظریه دنیایی شدن پیدا نمی‌کنیم. البته در تاریخ، همان‌گونه که در روایات قرآنی از تاریخ بشریت و روایات تاریخی تا پیش از تاریخ‌های سکولار هم می‌بینیم، دوره‌های حسیض و اوج‌گیری دین وجود دارد. در واقع تاریخ مملو از فوران‌های دینی و بعد نوعی آرامش و در نهایت حسیض آن دین تا ظهور دینی تازه است.

اما این تصور که جهان به سمت پی‌دینی بسط و گسترش پیدا می‌کند، تصور کاملاً عجیبی است. این نظریه با توجه به این تحلیل نمی‌توانست ظهور پیدا کند و بنابراین ظهور آن، جای پرسش و سوال دارد. البته در غرب، چه به معنای یونان قدیم و چه در دوره‌های متأخر، پیامبری وجود نداشته است.

غرب حتا مسیحیت را هم دچار شرک کرده است. مسیحیت به شکل خالص آن نتوانست در اروپا شکل پیدا کند. شکل عجیبی از آن در نتیجه تلفات با آیین‌های شرک‌آلود رُم به وجود آمد به شکل‌گیری کلیسا در معنای قرون وسطایی آن منجر شد. اما به‌رغم این، با نگاه به تاریخ خود غرب هم نمی‌توانیم مؤیدی برای نظریه‌پردازی به معنایی که در نظریه دنیایی شدن مطرح است، پیدا کنیم. بنابراین باز این پرسش مطرح است که چه‌گونه این نظریه مطرح شده است؟ چه نسبتی با جهان مدرن و چه شأنتی در مقام عین و واقع دارد؟ و چه چیز را در داخل خود صورت‌بندی کرده است؟

۵. با نگاه به اولین صورت‌های این نظریه در قرن هیجدهم میلادی - یعنی تاریخی که خودآگاهی جهان مدرن نسبت به خود به عنوان یک موجود متفاوت شکل می‌گیرد - موضوع کمی روشن می‌شود. به نظر من در این‌جا نظریه‌های تاریخی دارای شأنت نظری صرف نیستند. در تاریخ اندیشه بشری، برهه‌هایی وجود دارد که علوم چیزی فراتر از یک علم هستند. اگر در تاریخ اندیشه غرب جست‌وجو کنیم، می‌بینیم که در برهه‌ی ریاضیات، در برهه‌ی نجوم، در

نویسنده: دکتر حسین کچویان

تنظیم: علی‌رضا معادی

در گنجایش این مقاله نیست تا در حوزه‌های دیگری چون اقتصاد، سیاست، توسعه، توسعه سیاسی، اشکال چهارگانه بحران سیاسی و ...، نشان دهیم که چه‌گونه نظریه دنیایی شدن خود را بروز داده است؛ بنابراین به بیان این نکته بسنده می‌کنم که اساساً به لحاظ نظری امکان همه این نظریه‌ها در درون این نظریه به وجود می‌آید و اگر آن را حذف کنیم، همه آن‌ها بی‌معنا و تصورشان ناممکن می‌شود.

۳. از مطالب پیش گفته می‌توان به نسبت نظریه دنیایی شدن با جهان تجدد - در مقام عین و واقعیت - پی برد. البته نظریه‌ها بر حسب ادعاها و در بهترین حالت، بیان واقع هستند؛ یعنی واقعیت را در درون خود صورت‌بندی کرده‌اند. بنابراین روشن است که اگر چنان نسبت وثیقی میان نظریه دنیایی شدن و کل دستگاه مفهومی علوم اجتماعی وجود داشته باشد، چنین نسبتی میان واقعیت دنیایی شدن و کلیت این جهان هم وجود دارد.

کلیت این سیر تاریخی که ما آن را تجدد می‌خوانیم، چیزی جز دنیایی شدن نیست. به همین دلیل است که صعود و افول آن در جهان، منوط به صعود و افول دین است. یکی از دلایل مطرح شدن مباحثی هم‌چون پست‌مدرن و بحران تجدد، بازگشت مجدد دین و سنت است. اما پرسش اصلی در این‌جا این است که این نظریه در نسبت با کدام زمینه تاریخی شکل گرفته است؟

۴. روشن است که تصور پوزیتیویستی درباره نسبت نظریه و جهان، تصور نادرستی است. مجرای نظریه‌پردازی، وجود عالم است. انسان فقط از طریق ذهن با جهان تعامل نمی‌کند. در واقع ذهن تنهایی وجود ندارد که بتوان با آن با جهان تعامل پیدا کرد، بلکه موجودیتی به نام انسان وجود دارد که مجرای تعامل و تماس او با دنیا بدن، عمل و در سطح بالاتر عواطف و احساسات اوست. نظریه‌ها از خلال این کانال می‌رویند و ظاهر می‌شوند. این، مستلزم گونه خاص بودن آدم است؛ یعنی هر کسی هر چیزی را نمی‌تواند به‌ویژه در جهان اجتماعی ببیند.

در جهان طبیعی، بیان مسأله خیلی سخت و پیچیده است. از آن‌جا که جهان طبیعت، از ما نوعی جدایی دارد، می‌توان فکر کرد که نسبت سوژه و ابژه‌یی که به طور معمول در جهان علم فرض می‌شود، بین ما و جهان طبیعت وجود دارد. هرچند در میان ما و جهان طبیعی هم این مطلب درست نیست، ولی بیان نادرستی آن، دارای پیچیده‌گی‌های فراوان و خارج از حوصله این بحث است.

در مورد جهان انسانی، این مطلب کاملاً روشن است که مجرای فهم جهانی که در آن زنده‌گی می‌کنیم، خود ما هستیم. هر اندیشمندی نمی‌تواند هر چیزی را بفهمد. بسته به این‌که چه‌قدر با آن جهان نسبت دارد و در آن مستغرق و بخشی عینی از آن است، این امکان را دارد که نظریه‌پردازی کند.

در مکتب تمدن آفرین رمضان

خواجه بشیر احمد انصاری

بخش پانزدهم

برعلاوه آنکه روزه قدرت اراده را تقویت می‌بخشد، محرومیت از غذا و آب، انسان را و می‌دارد تا ارزش این نعمت‌ها را بداند. انسان از واژه نسیان مشتق شده و زود از یاد می‌برد و روزه است که ارزش حقیقی غذا را به یاد ما می‌آورد. این که در کنار سفرهٔ رضائی منتظر افطار می‌نشینیم، حرکت زمان را حس می‌کنیم. در آن لحظات حرکت ثقیل و آهستهٔ ثانیه‌گرد و دقیقه‌گرد ساعت را با تمام وجود احساس می‌کنیم. وقت و زمان در رمضان وزن پیدا می‌کند. حواس ذایقه و شامه انسان نیز بیشتر اظهار وجود می‌نمایند. هر قطره آب ارزش می‌یابد.

تمرین برای صبر در راه به دست آوردن آرزوها، هدف دیگر روزه است. خاتم راندی فریدریکس، داکتر معروف روان‌شناسی و نویسنده کتاب «روزه، تجربه استثنای بشریت» را باور بر این است که روزه می‌تواند فرد، جامعه و جهان را متحول و دگرگون سازد.

اعتکاف، خود فرصت دیگری برای تقویت بُعد روانی انسان است. در این ده روز، انسان معتکف با انتقال به خلوتکدهٔ خویش، از روابط مادی بریده و جوهر اراده را صیقل می‌دهد. اعتکاف، پرده‌های چشم و حواس و عادت را می‌درد و دریچه‌های بیداری باطنی را فرا روی روان آدمی گشوده؛ روح را فعال می‌سازد تا نور زمینه بازتاب یابد. این خود نوعی نیرو را در درون انسان منفجر می‌سازد که تنها با تجربه قابل فهم است.

روزه: از رأی تا روایت

پرسی که پیوسته مطرح می‌گردد این است که اگر روزه دارای این قدر بار مثبت است، اگر روزه با این همه مفاهیم اجتماعی، طبی، روان‌شناختی، سیاسی، اقتصادی، روحی، تمدنی و... عجیب بوده است، پس چرا مسلمانان به این روز دچار بوده و به گفته یکی از دوستان، بار دوش بشریت گردیده‌اند؟ چرا آثار اجتماعی و اخلاقی روزه در زنده‌گی مسلمانان بازتاب نمی‌یابد؟ ما چرا به جای آن که جزو حل باشیم، جزو مشکل هستیم؟ مسلمانان که سی روز رمضان را روزه می‌گیرند، چرا با این همه نظم و دسپلینی که در رمضان دیده می‌شود، باز هم آن‌ها الگوی اصول‌گرایی و قانون‌مندی نیستند؟ چرا این تجربه دشوار روزه رمضان در امتداد چهارده قرن نتوانسته است وقت‌شناسی، قانون‌مندی، شکیبایی و دیگر مفاهیم مثبت را جزو سرشت انسان مسلمان ساخته و آن را در شخصیت اجتماعی و ذهن جمعی آنان نهادینه سازد؟

به باور نویسندهٔ این ستور، پاسخ این پرسش‌ها را در «روایت» نه بلکه در «رأی» باید جست‌وجو نمود؛ رأی به مفهوم گسترده‌تر آن. روزه و سایر ارکان دین تنها یک فرضیه نبوده که با ادا کردن آن دیگر وظیفهٔ ما خاتمه یابد، بلکه روزه روشی است که مسلمان باید زنده‌گی خویش را بر مبنای آن تنظیم نموده و جهان را از زاویهٔ آن ببینند. روزه با همهٔ ابعاد آن، تنها گرسنه‌گی کشیدن نیست، بلکه صدقهٔ فطر، دست‌گیری از بی‌نویان، نماز تراویح، تنظیم دقیق اوقات افطار و سحری و جلوه‌های هویتی عید و امثال آن، فراتر از آن چیزی بوده که در تاریخ به نام «دین» شناخته شده است. ارکان پنج‌گانهٔ اسلام دارای ابعاد دوگانه‌اند که یکی به آن دنیا تعلق دارد و دیگری به این دنیا، یکی مربوط به فیزیک می‌شود و دیگری متافیزیک، یکی غیب است و دیگری شهادت، یکی عقیده است و دیگری عمل، یکی قلب است و دیگری عقل، یکی بُعدی کاملاً روحی دارد و دیگری بُعدی مادی و بالاخره یکی زمینی است و دیگری آسمانی. نماز را در ادیان یک‌بُعدی می‌توان بدون وضو ادا نمود، بلکه در برخی از این ادیان چیزی به نام «کثافت مقدس» وجود دارد، به این مفهوم که انسان هر قدر کثیف‌تر باشد، نماز مفهومی عمیق‌تر می‌یابد و طوری که «برتراند رسل» حکایت می‌کند رهابان مسیحی روزگاری افتخار می‌نمودند که آب تنها هنگام عبور نهر با پاهای ششان تماس گرفته است. ولی در اسلام طهارت شرط است و نظافت که رویکردی مادی دارد، جزو عقیده و ایمان به‌شمار می‌رود.

روزه از طبیعی‌ترین و گسترده‌ترین متوذهای تعلیمی به حساب آمده که تا هنوز بشر تجربه نموده است. روزه در جامعهٔ اسلامی هم وارد خانهٔ فیلسوف می‌شود و هم خانهٔ دهقان، هم به کاخ شاه می‌رود و هم به کوخ بینوا. پیوند رمضان با حقیقت‌های فلکی بر بُعد مادی و طبیعی این رکن می‌افزاید. بعد مادی و زمینی روزه را هم چنان می‌توان در تراویح آن جست‌وجو نمود که زمینه‌های هماهنگی و مساوات و وحدت را مهیا ساخته و خود تلاشی است در جهت مبارزه با فردگرایی، منفی‌گرایی و انزواجویی. امتناع از خوردن در لحظهٔ خاصی و باز شکستن روزه در وقت مشخصی بیشتر از آن‌که یک حکم فقهی باشد، بیان‌گر تنظیم وقت و قانون‌مندی و دسپلین در زنده‌گی انسان است. پرداختن صدقهٔ فطر بیشتر از آن‌که یک حرکت موسمی

باشد، یک پیام و پروژه است. گرسنه‌گی کشیدن قبل از آن‌که احساس باشد برنامه‌ی هم‌نوا با تعالیم دیگر دین است. تنظیم وقت و طهارت و تکافل و تعاون اجتماعی بیشتر از آن‌که با احکام فقهی روزه پیوند داشته باشد، با اندیشهٔ دنیایی و طبیعی این دین که در سراپای تعالیم و اصول آن جاری است، هم‌نواپی دارد. عبادت در قدم نخست برای این دنیا و در جهت ساختن زنده‌گی است که پاداش اخروی ضمیمهٔ آن می‌باشد. درد بزرگ در این است که ما همیشه به جنبهٔ ماورای طبیعی و احکام فقهی ارکان دینی توجه داشته و پیام بزرگ و زنده‌گی‌ساز آن را نادیده انگاشته‌ایم؛ من تعبیر «زنده‌گی‌ساز» را در این‌جا فهمیده و از روی قصد به‌کار برده‌ام، زیرا می‌بینم که برخی آن را نیز مبتذل ساخته‌اند. در جمع دانشمندان مسلمان تا حدی که من اطلاع دارم، تنها «علی‌عزت‌بیگویی» و تا حدی «گاردی»‌اند که سخنان ژرفی در این زمینه دارند.

اسلام بیشتر از آن‌که باورهایی متراکم در ذهن باشد، روش و متود عمومی زنده‌گی است. مشکل اساسی ما در این است که عبادت‌ها را به صورت «مجرد» درک نموده و به‌جا می‌آوریم و هیچ توجهی به ابعاد زمینی، مادی، عملی، اجتماعی و تمدنی آن نداریم. در پهلوی این همه ترکیز بر ابعاد متافیزیکی روزه، آیا می‌شود کمی آن را زمینی ساخت و باران وحی را با خاک واقعیت‌های اجتماعی درآمیخت و بر زمین آن بهارستانی طرح ریخت؟ آیا می‌شود روزه را



به‌راستی یک تمرین‌گاه ارزش‌های انسانی ساخت؟ این کار را می‌توان نمود، ولی نه با تکرار نمودن اورادی مشخص و یا عبارات کلیشه‌یی که هنوز وارد دستگاه شعور ما نشده‌اند.

روزه: در تاریخ سیاسی مسلمانان

ماه رمضان یادآور خاطرات مهم و رویدادهای سرنوشت‌سازی در تاریخ مسلمانان است؛ حوادثی که عرصه‌های مختلف زنده‌گی را احتوا نموده‌اند. نزول نخستین آیه‌های قرآن که با گل‌واژه‌های «بخوان»، «علم» و «قلم» شروع گردید، در همین ماه بود که برای این موسم همین شرف کافی است.

مسلمان‌ها عادت داشتند تا کارهای بزرگی چون تأسیس شهرها، دانشگاه‌ها، مدارس، مساجد و امثال آن را در همین موسم و مناسبت انجام دهند. شهرهایی چون «فاس»، «واسط» و غیره در همین ماه تهداب‌گذاری شده‌اند. مساجدی چون «قبروان» و «فسطاط» و... نیز در همین ماه تهداب گذاشته شده‌اند. مهم‌ترین و باستانی‌ترین دانشگاه‌های جهان اسلام چون «الآزهر»، «القرویین» و «الزیتونه» نیز در همین موسم خجسته بنیان‌گذاری گردیده‌اند.

مهم‌ترین جنگ‌های مسلمانان نیز در همین ماه صورت پذیرفته است. روزه برای همهٔ اقشار جامعهٔ مسلمان پیامی داشته است که در این میان نظامیان را نمی‌توان مستثنا دانست. روزه را پیوندی است کهن با کشمکش‌های گرم و جهاد و جنگ در تاریخ مسلمانان. این پیوند از همان روزهای نخست هویدا بود، زیرا زمانی که روزه در ماه شوال سال دوم هجری فرض گردید، یک ماه بعد از آن نخستین

اجتماعی تشکیل گردیده است. قرارداد اجتماعی پیش از آن‌که میراث «ژان ژاک روسو» باشد، میراث سیاسی پیامبر اسلام است. پیامبر اسلام بنا بر دعوت و رأی و انتخاب مردم مدینه و بر مبنای میثاق و عقده‌ی به مدینه هجرت نمود و بر مبنای قراردادی ساکنان مسلمان و غیرمسلمان مدینه دولت تشکیل دادند. او زمانی که به مدینه رفت نه سلاحی داشت، نه محافظانی و نه هم ارتشی. راهی جز این نمی‌توان برای تأسیس دولتی سالم پیش‌بینی نمود.

به هر حال، هر گاه حوادث مربوط به رمضان را در تاریخ مسلمانان جست‌وجو نمایم، به فهرست طولانی فتوحات و کشمکش‌های نظامی برمی‌خوریم که به باور نویسندهٔ این ستور نمی‌توان رویدادهای مربوط به رمضان را منحصر به جنگ دانست. کتاب‌های سیرت پیامبر اسلام را هم که می‌گشاییم، در حدود 60% و یا 70% آن را جنگ احتوا نموده است، در حالی که تنها 1% زنده‌گی رسول اکرم در جنگ صرف شده است. از نظر من، پیش از این که این امر برگردد به جوهر و اصل دین، برمی‌گردد به روحیهٔ مسلط بر روان‌های مردم آن زمان، مکان و مناسبات آن جوامع. در این رابطه پرسش‌های فراوانی وجود داشته و گره‌های گوناگونی ناگشوده مانده است که نمی‌توان در این مختصر به تمامی آن‌ها پرداخت.

خلاصهٔ سخن، رمضان و روزه، فضایی را در جامعه ایجاد می‌کند و انرژی و نیرویی را در درون انسان مسلمان رها می‌سازد که این نیرو گاهی در یک سمت استقامت داده شده است و زمانی در سمت دیگر.

ادب‌گاهی به نام سفرهٔ افطار

سفره و یا «مانده» مفهومی است که چندین بار در قرآن کریم تکرار گردیده و پنجمین سورهٔ آن می‌باشد. قرآن کریم میان دسترخوان و روزه رابطه‌ی قایل بوده و در این سوره به روزهٔ سی‌روزهٔ عیسی (ع) و پیروان او و نزول سفرهٔ آسمانی اشاره دارد.

سفره در فرهنگ ما از اهمیت خاصی برخوردار است که بزرگ شدن بالای «دسترخوان پدر» بیان‌گر همین مفهوم بزرگ تربیتی و فرهنگی می‌باشد.

مردم ما سخت به حریم سفره احترام دارند. سفره ابزاری ارتباطی است که اعضای خانواده را در عصر جدایی‌های مدرن هر روز در کنار هم قرار می‌دهد. همان‌طور که پیشتر گفتیم، رمضان امتناع از خوردن و آشامیدن نه، بلکه متودی است که دین از ما می‌خواهد تا زنده‌گی خویش را بر مبنای آن عیار سازیم. یکی از این متوذهای پاس داشتن صنف «کلاس»‌های تربیتی مدرسهٔ رمضان و یا سفرهٔ افطار می‌باشد.

سفرهٔ افطار یکی از گرم‌ترین کانون‌های تربیتی خانواده است که انتظار نشستن چند قلب پاک و چند سیمای نورانی در کنار همدیگر از یک‌سو و فضای آرام معنوی رمضان از سوی دیگر، این کانون را نکته دیگری می‌بخشد. سفرهٔ افطار اگر به‌خوبی مدیریت شود، خاطرهٔ شیرین آن شاید تا آخر عمر، ذهن و روان کودکان را همراهی نماید.

سفرهٔ غذای شب از مسایل جدی تربیتی و روان‌شناسی در امریکا بوده که تحقیقات فراوانی از سوی دانشگاه‌ها و نهادهای پژوهشی روی آن صورت گرفته است. یکی از آسیب‌های بزرگی که تمدن معاصر به خانوادهٔ انسانی رسانیده، دور کردن اعضای خانواده از همدیگر است.

بر مبنای تحقیقی که نیلسن انجام داده، پدران و مادران امریکایی هفته‌یی ۳۸.۵ دقیقه با کودکان‌شان صحبت می‌کنند. روزنامهٔ نیویورک‌تایمز در شمارهٔ ۳ مارچ ۲۰۰۵ میلادی خویش زیر عنوان «فواید تشریفات مقدس سفرهٔ غذای شب» می‌نویسد: در گذشته‌ها دسترخوان غذای شب سمبول محبت و همدلی بود، ولی پژوهشی که بالای ۴۷۴۶

کودک ۱۱- ۱۸ ساله صوت گرفته است نشان می‌دهد خانواده‌هایی که این سنت را حفظ نموده‌اند، فرزندان‌شان به سگرت، الکل، هیرویین، افسرده‌گی، اندیشه‌های خودکشی و امثال آن کمتر مبتلا بوده و به‌نتایج تعلیمی بهتری دست می‌یابند. پژوهش علمی دیگری که از سوی «مرکز ملی اعتیاد و خودآزایی» دانشگاه کولمبیا صورت گرفته، همین نتایج را تأیید می‌کند. دکتر کیرین وینر رییس «مرکز تحقیقات غذایی اطفال» در شهر هیوستن تکساس هم بر اهمیت سفرهٔ غذای شب در امر ایجاد صمیمیت میان اعضای خانواده تأکید می‌نماید.

بر مبنای تحقیقی که دکتر «کاترین سنو» پروفیسور آموزش و پرورش در دانشگاه هاروارد انجام داده است، سفرهٔ غذای شب مهم‌تر از بازی‌ها و قصه گفتن‌ها در امر تقویت ذخیرهٔ لغوی کودکان می‌باشد. بر اساس تحقیقات متعددی که در این زمینه صورت گرفته، کودکانی که بیشتر بر سر دسترخوان خانواده تربیت یافته‌اند، برعلاوهٔ تأثیر مثبت اخلاقی، از آسیب‌های زیان‌بار نیز مصون‌تر بوده‌اند.

در حالی که پژوهش‌های ارزش‌مند دانشگاه‌ها و مراکز بزرگ تحقیقاتی جهان بر اهمیت سنت مقدس «دسترخوان» در امر تربیت سالم کودکان تأکید می‌کنند، می‌بینیم که گروهی از هموطنان ما حریم و حرمت سفره را زیر پا نموده و به سبک زنده‌گی بی‌کیفیتی که امروز در غرب رایج است، رو آورده‌اند.

دسترخوان نماد صفا، صمیمیت، تربیت، احترام، صحت، موفقیت، مدیریت و نزول رحمت الهی است. آیا می‌توانیم از سفرهٔ خاطره‌انگیز افطاری در جهت احیا، تقویت و تداوم کانون فرهنگی «دسترخوان خانواده» استفاده نماییم؟

«جان آرمز» و «ابراهام لینکلن» از مردم امریکا خواستند تا با سلاح روزه به جنگ انگلیس‌ها، فرانسوی‌ها و گروه‌های داخلی خودشان بروند. در کشاکش نبرد با انگلیس‌ها بود که واشنگتن روز اول ماه جون ۱۷۷۴ میلادی را روزه اعلام نمود، آقای «جان آرمز» روز ۲۳ مارچ ۱۷۹۸ میلادی را، آقای «جیمز مدیسون» روز ۱۲ جنوری ۱۸۱۵ میلادی را و «ابراهام لینکن» هم چندین روز دیگر را در دوران ریاست جمهوری خویش روزه اعلام نمود. هدف من در این پاراگراف مطلق روزه بوده - امری که خوانندهٔ باهوش نیازی به تذکر در این زمینه ندارد - نه روزه با ارکان و آداب اسلامی آن.

در این‌جا یک نکتهٔ مهم را قابل یادآوری می‌دانم. زمانی که از جهاد یاد می‌کنیم، شاید در ذهن گروهی از خواننده‌گان سیمای هراس انگیز گروه‌های یاغی، باغی، خشونت‌گرا، بی‌فرهنگ و بی‌برنامه‌یی در این‌جا و آن‌جا تداعی شود که نمی‌توان آن‌ها را علم‌برداران جهاد دانست؛ گروه‌هایی که در جهت خصوص‌سازی جهاد قدم برداشته‌اند. جهاد، جنگ استخبارات جهانی و منطقه‌یی نیست. جهاد، قتل و کشتاری هم نمی‌باشد که از سوی گروه‌های تفنگ‌به‌دست در این‌سو و آن‌سوی جهان اعلام می‌گردد. جهاد تنها بر مبنای مشروعیت دینی و سیاسی و در چهارچوب اصول فرهنگی و تمدنی و ارزش‌های انسانی می‌تواند وجود داشته باشد. جهاد، جنگی است که از سوی دولتی مسلمان و برای تأمین حق، عدل، امنیت، صلح و دفاع اعلان می‌گردد؛ دولتی که بر مبنای رأی و ارادهٔ مردم و انتخاب جامعه و قرارداد

کابل به اسلام آباد:

تنها طالب پاکستانی را آماج قرار ندهید

اسلام آباد: تبعیضی نیست، همه را نابود می‌کنیم

دانفورد گفت نظامیان پاکستانی عملیات‌های موفقیت‌آمیز علیه شبه نظامیان طالبان و جنبش ازبکستان در وزیرستان شمالی انجام داده‌اند اما نیروهای امنیتی پاکستان اقدام قطعی علیه ستیزه جویان شبکه حقانی که واشنگتن بیشتر خواستار این اقدام می‌باشد، انجام ندادند.

وزارت خارجه افغانستان نیز می‌گوید که عملیات جاری نظامیان پاکستانی در وزیرستان شمالی قابل قبول برای حکومت افغانستان نمی‌باشد، چرا که در این عملیات پاکستان خلاف تعهدش با افغانستان، تنها طالبان پاکستانی را هدف قرار می‌دهد.

شکیب مستغنی سخنگوی وزارت خارجه روز دوشنبه در یک نشست خبری در کابل گفت، در این عملیات که به اساس آن باید همه گروه‌های تروریستی مورد هدف قرار گیرند، تا حالا به شبکه حقانی تلفات وارد نشده است.

او گفت: «عملیاتی که در وزیرستان شمالی انجام می‌شود از این رو قابل قبول حکومت افغانستان نیست که این عملیات تنها در مقابل طالبان پاکستانی صورت می‌گیرد، و به صورت مشخص تا حالا کدام عملیاتی در مقابل شبکه حقانی صورت نگرفته است، و تلفاتی هم به این شبکه وارد نشده است.»

اما مشاور ارشد نخست وزیر پاکستان خطاب به نماینده ویژه دولت آمریکا تاکید کرد که نیروهای امنیتی پاکستان شبه نظامیان وابسته به تمام گروه‌های

در جریان دیدار روز دوشنبه دیپلمات ارشد آمریکا با مقام‌های دولت پاکستان، دو طرف بر توسعه همکاری مشترک برای کمک به برقراری صلح در افغانستان و تداوم ریزنی‌ها پس از خروج نظامیان خارجی از افغانستان در سال ۲۰۱۴ تاکید کردند.

جیمز دابینز نماینده ویژه دولت واشنگتن در امور پاکستان و افغانستان روز گذشته با سفر به اسلام آباد با سرتاج عزیز مشاور ارشد نخست وزیر پاکستان در امنیت ملی و امور خارجی دیدار کرد.

در این ملاقات سرتاج عزیز با اشاره به ادامه عملیات گسترده ارتش پاکستان علیه شبه نظامیان در منطقه قبیله‌ی وزیرستان شمالی در شمال غرب این کشور تاکید کرد: نیروهای مسلح پاکستان تمام گروه‌های مسلح و ضدولتی را بدون هیچ تبعیضی در وزیرستان شمالی هدف قرار می‌دهد.

وی خاطر نشان کرد: پاکستان تلاش‌های خستگی ناپذیری در مسیر مبارزه با تروریسم به جای گذاشته و در حال حاضر دولت و نیروهای امنیتی این کشور نیز بدون هیچ تبعیض و تمایزی تهدیدهای تروریسم و افراط گرایی را از بین می‌برند.

سخنان این مقام ارشد پاکستان در حالی عنوان می‌شود که جوزف دانفورد فرمانده امریکایی نیروهای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) مستقر در افغانستان اخیر ادعا کرد که وی نسبت به نتایج عملیات ارتش پاکستان در وزیرستان شمالی اعتراض دارد.

نخست‌وزیر انگلیس:
**تراژدی سقوط هواپیمای مالزی
ضربه بزرگی به متحدان ماست**

نخست‌وزیر انگلیس ضمن ابراز اینکه تراژدی ساقط شدن هواپیمای مسافربری MH17 مالزی "ضربه بزرگی" به متحدان لندن است، از تمامی کشورهای اروپایی خواست تا اقدامات واقعی را برای روبه‌رو شدن و قبول معنای آنچه در شرق اوکراین رخ می‌دهد، انجام دهند.

به گزارش خبرگزاری شینخواه، دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس در مقاله منتشر شده‌ی در روزنامه "ساندی تایمز" نوشت: ما باید خشم و عصبانیت را کنار گذاشته و دست به کار شویم. ما باید در راستای پیدا کردن مسئولین این جنایت و به پای میز محاکمه کشاندن آن‌ها اقدامی انجام دهیم. اما این مسأله فراتر از عدالت است. بسیاری از کشورهای اروپایی تمایلی به روبه‌رو شدن و قبول معنای آنچه که در شرق اوکراین رخ می‌دهد، ندارند.

کامرون افزود: برخی کشورهای اروپایی به جای آنکه با بحران اوکراین به عنوان چالشی برخورد کرده و آن را حل و مدیریت کنند، آن را مشکلی می‌دانند که آن‌ها را بسیار نگران کرده است. اگر روسیه رویکرد خود نسبت به اوکراین را تغییر ندهد، اروپا و غرب باید به طور اساسی رویکرد خود نسبت به روسیه را تغییر دهد.

وی ادامه داد: این مسأله صرفاً به معنای عملیات نظامی نیست اما زمان آن رسیده که قدرت، نفوذ و منابع مان را به کار گیریم. کامرون در مقاله خود مدعی شد: افزایش حجم مدارک و شواهد منجر به نتیجه کاملاً مشخصی شده مبنی بر اینکه پرواز MH17 توسط یک موشک سطح به هوا از منطقه‌ای که تحت کنترل شورشیان است، ساقط و منفجر شده است. در اروپا نیازی به یادآوری پیامدهای چشم‌پوشی از تهدیدها و اذیت‌های کشورهای بزرگ نسبت به کشورهای کوچک‌تر نداریم.

کامرون ضمن تاکید بر این مسأله که انگلیس به دنبال یک رابطه مقابله‌ای با روسیه نیست، از تمامی شرکای اروپایی خواست تا برای دفاع از اصول و قوانین حاکم میان کشورهای مستقل در اروپا که حافظ صلح در قاره ماست، به پا خیزند.

نخست‌وزیر انگلیس در این مقاله خواستار راه‌حل‌های طولانی‌مدت برای روابط میان اوکراین، اتحادیه اروپا، روسیه، ناتو و غرب شد.

وی همچنین خواستار دسترسی فوری به محل حادثه و دست نخورده نگهداشتن صحنه جرم شد و گفت: باید یک آتش‌بس اعلام شود و باید تحقیقات کامل درباره آنچه رخ داده، صورت گیرد. روسیه باید فوراً تأمین و آموزش شورشیان را متوقف کند. آن‌ها نماینده مردم اوکراین نیستند. بدون حمایت روسیه آن‌ها ضعیف می‌شوند.

نگرانی مجلس از افزایش ناامنی

کشور را تهدید می‌کند. این دغدغه تبدیل شدن ساختار قدرت سیاسی به شرکت سهامی است؛ یعنی نگرانی وجود دارد که گویا قرار است حکومت آینده از وزرای ناکام موجود تشکیل شود.

به گفته او، دو سوم وزرای حکومت فعلی عامل اصلی ناکامی دولت کنونی است و در صورت که آنان در حکومت آینده سهم داشته باشند؛ بازنده اصلی انتخابات مردم افغانستان خواهد بود.

او بیان داشت که از آدرس پارلمان باید به برنده انتخابات هشدار داده شود که حکومت شرکت سهامی تشکیل ندهد.

این نگرانی‌ها در حالی مطرح شده که تا هنوز برنده انتخابات و این که چه کسی دولت وحدت ملی آینده افغانستان را تشکیل خواهد داد، مشخص نیست.

امنیتی محلی و عدم نظارت مقام‌های عالی رتبه از آنان، از دلایل افزایش نا آرامی‌ها در این ولایات هستند.

صدیق احمد عثمانی معاون اول مجلس نماینده‌گان گفت: شکایت‌های مطرح شده نشان می‌دهد که وضع امنیتی در سراسر کشور به ویژه هرات، بلخ و تخار نگران کننده است.

آقای عثمانی افزود: مجلس در دو هفته گذشته دو بار مقام‌های امنیتی را به دلیل افزایش نگرانی‌های امنیتی فراخواند؛ باز هم یک بار دیگر تاکید می‌کنیم که نیروهای امنیتی باید در انجام وظایف‌شان و رفع نگرانی‌های امنیتی شهروندان کشور تلاش کنند.

از سوی دیگر، شماری از نماینده‌گان، از تبدیل شدن حکومت آینده به شرکت سهامی، نگران اند.

جعفر مهدوی گفت: حکومت وحدت ملی به دغدغه بزرگی تبدیل شده است که وضعیت نگران کننده

نمایندگان مجلس، تبلی مقام‌های امنیتی محلی، مسأله طولانی شدن روند انتخابات و عدم نظارت مقام‌های بلندپایه امنیتی از مسوولان محلی را دلیل عمده افزایش نا امنی‌ها در کشور می‌دانند.

اکبر استانکزی نماینده مردم لوگر در مجلس گفت: اخیراً امنیت ولایت لوگر به شدت خراب شده است. طالبان خانه به خانه می‌روند و مردم را می‌کشند. قوماندانی امنیه ولایت لوگر به ساقی خانه تبدیل شده است. مسوولان آن در تمام روز نشه اند و بچه نگاه می‌کنند و مقام‌های عالی رتبه امنیتی نیز از آنان پرسان نمی‌کنند.

نمایندگان مردم هرات، بلخ و تخار نیز از تشدید نا آرامی‌ها و فعالیت دوباره طالبان در ولسوالی‌های ولایات مربوطه‌شان شکایت کردند.

به گفته آنان، توقف عملیات شبانه، آزادی زندانیان طالب، زمانگیر شدن روند انتخابات، تبلی مسوولان

از اختلاف در بازشماری...

به دلیل اختلاف نظرها بین ناظرین دو ستاد انتخاباتی به مدت ۲۴ ساعت متوقف شده بود.

روند بازشماری آرا روز یکشنبه دوباره از سر گرفته شد.

گفته می‌شود که روند بازشماری ۱۰۰ درصدی آرای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به مدت ۳ هفته ادامه خواهد داشت و انتقال لوازم انتخاباتی از ولایت‌ها به کابل را نیروهای امنیتی داخلی و ایساف به عهده دارند.

تلاش‌هایی وجود دارد دست...

فعالیت کنند. بر علاوه آن، کارمندان زن برای کاهش مخاطرات امنیتی تلاش کرده اند که همواره راه شان به دفتر کار را تغییر دهند.

سازمان مدیکا موندیاله همچنان از قدرتمند شدن نیروهای محافظه کار در عرصه سیاست افغانستان هشدار داده است. به گفته این سازمان، هنوز هم این خطر وجود دارد که محافظه کاران قانون رفع خشونت علیه زنان را که هنوز از سوی پارلمان تصویب نشده است، تعدیل و یا کاملاً لغو کنند. در این طرح قانونی که در سال ۲۰۰۹ بر اساس یک فرمان تقنینی رئیس جمهور حامد کرزی تصویب شد، خشونت علیه زنان در درون خانواده و از سوی شریک زندگی آنها جرم پنداشته شده است.

بوخولتس افزوده است که پیشرفت‌های بیشتر در عرصه حقوق زنان پیش از همه به نتایج انتخابات ریاست جمهوری امسال بستگی دارد. فعلاً آرای دور دوم انتخابات به دلیل اتهام های تقلب گسترده مورد تفتیش و بررسی قرار دارد.

سازمان مدیکا موندیاله در سال ۱۹۹۳ از سوی مونیکا هاووز، متخصص بیماری‌های زنانه، تاسیس شد و به زنان قربانی خشونت جنسی در مناطق جنگی کمک می‌کند. این سازمان برخی پروژه‌ها و نهادهای همکار را در افغانستان، بوسنیا هرزگوینا، لیبیا، جمهوری دموکراتیک کانگو، اوگاندا، برونودی و رواندا کمک می‌کند.

شی او غرضی و گری‌دی و نیول شی.

مشرانو جرگی له دې وړاندې ویلي ول، چې د خوست چارواکیو د راغلو کډوالو یوشمېر مشرانو ته د امنیت د تامین لپاره وسلې هم ورکړې دي.

خو د خوست ولایت مقام د رسنیو مسوول بریالی روان وایي، چې د دغو کډوالو قومي مشرانو باندې هیڅ ډول وسلې نه دي ویشل شوي.

نوموړي همدارنگه هغه مسأله هم رد کړه، چې د دې ولایت د ملي امنیت له رییس سره د مشرانو جرگی د تحقیقاتي پلاوي له لیدنې سره د خوست والي مخالفت کړی.

کارپوهان وایي، د پاکستان پوځ او ای اېس ای هڅه کوي چې په دې عملیاتو سره افغانستان ته ډېر شمېر وسله وال را واستوي، خو په افغانستان کې جگړه گرمه وساتي. په شمالي وزیرستان کې د عملیاتو په پیل سره په هېواد کې هم جگړې زور اخیستی دی.

شمالي وزیرستان د القاعده او حقاني شبکې، د پاکستان او افغان طالبانو ترڅنګ د گڼو نورو وسله والو ډلو اصلي ځاله ده. چې په دې وروستیو کې پرې پاکستان پوځي عملیات پیل کړي دي. د دغو عملیاتو له امله خوست او یوشمېر نورو سرحدي ولایتونو ته کابو ۳۵ زره کورنۍ را کډه شوي دي.

دې دوی له خپلو کورنیو سره چې ښځې او ماشومان هم په کې دي، دې خوا پناه راوړې یوازې او یوازې له جگړو را تښتېدلي. نو معلومه ده چې دوی ترهگر نه دي او ترلاسه شوې وسله ټوله سپکه ده چې د هر قبایلي په کور کې وي. دا چې وسله وال ترهگر چېرته دي زه معلومات نه لرم.))

دې وایي، نشي کېدای چې دوی په خوست کې ولاړې ۳۵ زره خپمې یوه یوه لیدلې وای؛ خو په دې اړه د خوست د ملي امنیت رییس ورسره خبرو اترو ته چمتو نشو.

د مشرانو جرگی د غه غړی زیاتوي، په خوست کې مېشتو کډوالو ورته ویلي، چې دوی عادي وگړي دي. خو د پوځي چارو شنونکي جنرال عتیق الله امرخېل له دې وړاندې ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې ویل، په شمالي وزیرستان کې د پیل شویو عملیاتو په لړ کې دوه ډوله کډوال افغانستان ته راځي، یوه ډله هغه چې په رښتیا هم بې وسه دي او له جگړو را تښتېدلي؛ خو دویمه ډله یې هغه کسان دي چې د پاکستان استخباراتو او پوځ په افغانستان کې د جگړې گرمولو لپاره را استولي دي.

هغه زیاتوي، افغان باید د راغلو کډوالو په منځه کې خپل استخبارات پیاوړي کړي، کډوال چاڼ کړي، هغه کسان چې رښتیني کډوال دي ځای دې ورکړل

د شمالي وزیرستان په کډوالو...

نثار حارس ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې ویل، چې د خوست د والي او د گریزو د ولسوال د معلوماتو له مخې تر اوسه له وزیرستان څخه راغلو کډوالو نه شپږ سوه سپکې وسلې د امنیتی ځواکونو له لوري ثبت شوي دي.

هغه ویل، دغه وسلې له اتلس زره کورنیو نه ثبت شوي دي، چې دا مهال په گریزو ولسوالۍ کې مېشت دي.

د یاد سناوړ په وینا، دوی له دې اندېښمن ول، چې په شمالي وزیرستان کې به د پاکستان د پوځ د عملیاتو له امله هغه وسله وال طالبان او نورې وسله والې ډلې چې په وزیرستان کې مېشتې وې، دېخوا ته راشي او په همدې اړه یې خبرې وکړې.

ښاغلی حارس زیاتوي، دوی د خوست له پوځي عالي شورا، د خوست له والي، ولسوالانو او د راغلو کډوالو له مشرانو، دیني عالمانو او سپین پیرو سره خبرې اترې وکړې او ټولو ورته ویلي، چې راغلي کډوال ترهگر او وسله وال نه؛ بلکې عادي وگړي دي.

نوموړي ویل: ((د راغلو کډوالو سپین پیرو، مشرانو او قومي مخورو موږ ته ویل، چې دوی ترهگر نه



تصویب توافقنامه اتصال مرزی افغانستان با چین و تاجیکستان

خرافه پرستی

تاوان یک میلیارد افغانی به خاطر عدد ۳۹

پلاک‌های سری جدید پلاک‌ها، ۸۸۲ پلاک دیگر نیز با ترکیب ۳۹ به توزیع گذاشته خواهد شد. آقای اسدالله گفت: «تا زمانی که این پلاک‌ها توزیع نشود، پلاک‌های دیگر هم کسی توزیع نخواهند شد.»

در افغانستان بسیاری ها عدد ۳۹ را «عدد بی ناموسی» می‌دانند و از شماره‌هایی که در ترکیب آن عدد ۳۹ به کار رفته باشد، اجتناب می‌کنند. این مشکل تنها مربوط به توزیع پلاک‌های ماشین نیست بلکه شماره‌های تلفن و پلاک خانه با شماره ۳۹ نیز جنجال آفرین بوده است.

در سال ۲۰۱۱ که حامد کرزی رییس جمهوری افغانستان لویه جرگه بی را برای رای زنی در مورد امضای موافقتنامه راهبردی با آمریکا فراخواند این جرگه برای تصمیم گیری چهل کمیته کاری تشکیل داد اما شرکت کننده‌گان این جرگه از ایجاد کمیته شماره ۳۹ خودداری کردند و چهل کمیته را با ۴۱ شماره به راه انداختند.

با این حال، در سال‌های گذشته در ولایت کابل و بعضی از شهرهای افغانستان کمپین‌ها و راهپیمایی‌های گسترده‌ی بر علیه حساسیت‌ها نسبت به عدد ۳۹ زیر نام «خرافه زدایی» راه اندازی شد.

مسئولان دولتی اما می‌گویند که در مورد پلاک‌ها، بیشتر فروشنده‌گان و دلالان موتر دست دارند و سعی کرده اند با دامن زدن به این حساسیت سودجویی کنند.

حساسیت‌ها نسبت به عدد ۳۹ در افغانستان از گذشته‌ها وجود داشته است و بسیاری‌ها آن را عددی نحس می‌دانند.

حساسیت در مورد شماره ۳۹ قبلاً تنها در شهر هرات بود، اما حالا این باور عام شده و به کابل، مزارشریف و دیگر شهرهای افغانستان نیز رسیده است.

وزارت امور داخله افغانستان گفته که خودداری مردم از پذیرفتن پلتهای شماره ۳۹ برای موترهای شخصی، سبب شده که روند توزیع پلاک‌ها متوقف شود.

صدیق صدیقی سخنگوی وزارت امور داخله در نشست مشترک خبری با مدیر عمومی ترافیک کابل گفت که توقف توزیع پلاک‌های ماشین به دولت افغانستان زیان رسانده است.

آقای صدیقی گفت: «ما نمی‌توانیم شماره ۳۹ را حذف کنیم. این غیر منطقی است که دو شماره مهم از همه قوانین حذف شود.»

مسئولان دولتی می‌گویند که در سیزده سال گذشته شمار اندکی از پلاک‌هایی که در ترکیب شان شماره ۳۹ است توزیع شده است.

سخنگوی وزارت امور داخله همچنین گفت که شهروندان باید به ترتیب شماره‌های مسلسل ۳۹ را برای موترهای خود بپذیرند تا روند عادی توزیع پلاک‌های ماشین از سر گرفته شود.

در همین حال، پولس ترافیک کابل می‌گوید که حساسیت مردم نسبت به عدد ۳۹ نه تنها که روند توزیع سایر پلاک‌ها را متوقف کرده که درآمد سالانه اداره ترافیک را نیز کاهش داده است.

اسدالله، مدیر عمومی پولیس ترافیک شهر کابل، در این نشست خبری گفت که درآمد این اداره ۲ میلیارد افغانی (معادل حدود ۴ میلیون دالر) در سال بود که از زمان توقف توزیع پلاک‌ها به دلیل حساسیت‌ها به شماره ۳۹، حدود یک میلیارد افغانی کسری بودجه داشته اند.

مدیر پولیس ترافیک کابل همچنین گفت که در حال حاضر ۴۲ جفت پلاکی که در ترکیب شماره شان عدد ۳۹ است در اداره ترافیک کابل مانده و کسی آن را نمی‌گیرد. او گفت که اگر بتوانند این پلاک‌ها را توزیع کنند مشکلات اداره ترافیک حل می‌شود اما در آینده همزمان با آغاز توزیع



افغانستان مطابق این توافقنامه به کشورهای دیگر واگذار نشده است.

به گفته آنان، کارشناسان وزارت امور خارجه، اداره های اراضی، جیوگرافی و کارتوگرافی افغانستان با وسایل پیشرفته و عصری نقطه اتصال مرزی افغانستان را تثبیت کرده اند.

عبدالقیوم سجادی عضو کمیسیون روابط بین الملل در مورد نگرانی‌های نماینده‌گان مبنی بر فرسایشی بودن نقطه اتصال مرزی و خطر احتمال واگذار شدن خاک افغانستان به همسایه ها گفت: نقطه ثبیت شده در خشکه قرار داشته و فرسایش ندارد.

توافقنامه نقطه اتصال مرزی افغانستان با چین و تاجیکستان، یک مقدمه و سه ماده دارد که با اتفاق آرا از سوی نماینده‌گان تصویب شد.

این توافقنامه به پیشنهاد تاجیکستان، به این خاطر تجدید شد که این کشور گفته است؛ می خواهد به حیث کشور مستقل چنین توافقی را با همسایگان اش داشته باشد.

نقطه تثبیت شده قبلی اتصال مرزی توسط حکومت شوروی سابق میان سه کشور توافق شده بود.

نمایندگان مجلس توافقنامه اتصال مرزی افغانستان با چین و تاجیکستان را با اتفاق آرا تصویب کردند.

توافقنامه نقطه اتصال مرزی افغانستان با چین و تاجیکستان از سوی اعضای کمیسیون روابط بین الملل به جلسه دیروز پیشکش شد.

به گزارش خبرگزاری جمهور، قاضی راحله سلیم، عضو کمیسیون روابط بین المللی مجلس گفت: «توافقنامه نقطه اتصال مرزی افغانستان با چین و تاجیکستان در جلسات مشترک متعدد مورد بحث قرار گرفته و هیچ نظر اختلافی در مورد وجود ندارد.»

به گفته او، طرح این توافقنامه به کمیسیون های دیگر نیز فرستاده شده بود که پنج کمیسیون در مورد آن نظر نداده و متباقی کمیسیون های هجده گانه تعدیلات، نظرات و پیشنهادات شانرا ارسال کردند که مورد بحث قرار گرفته است.

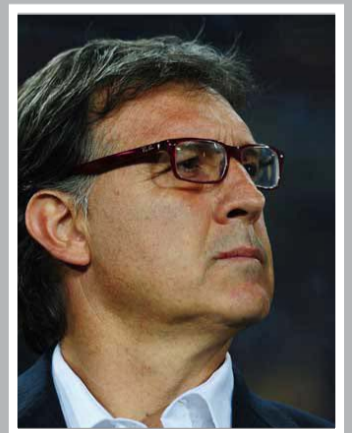
عدم دقت در تشخیص نقطه مرزی و فرسایش آمو دریا که تهدیدی برای خاک افغانستان است؛ از نگرانی های جدی نماینده‌گان در مورد این توافقنامه بود.

اما، اعضای کمیسیون اطمینان دادند که یک وجب از خاک



خراردو مارتینو جانشین احتمالی سابه‌یا در آرژانتین

فدراسیون فوتبال آرژانتین تمديد کند. فدریکو آکوستا، نایب رییس فدراسیون فوتبال پاراگوئه اعلام کرد: خرارو مارتینو به پیشنهاد فدراسیون فوتبال آرژانتین جواب مثبت داده است و به عنوان سرمربی جدید این تیم منصوب خواهد شد. خرارو مارتینو فصل گذشته هدایت بارسلونا را بر عهده داشت، اما نتوانست با این تیم جامی را به دست آورد تا با ناکامی این تیم لندن را ترک کند.



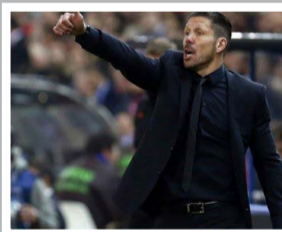
نایب رییس فدراسیون فوتبال پاراگوئه از قطعی شدن حضور مارتینو روی نیمکت مربیگری آرژانتین خبر داد. آرژانتین با هدایت آلخاندرو سابه‌یا در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل به فینال رسید، اما با شکست برابر آلمان نتوانست به عنوان قهرمانی برسد.

آلخاندرو سابه‌یا پیش از فینال جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل اعلام کرده بود که قصد ندارد قراردادش را با پاراگوئه را بر عهده داشت.

سیمئونه:

تیمم در فوتبال اروپا انقلاب ایجاد کرد

نمایش خوبی داشتیم و تا دیدار نهایی شکست نخورده بودیم و در وقت‌های اضافه در حالی برابر رئال مادرید شکست خوردیم که به هیچ‌وجه دفاعی بازی نکردیم. من از این نمایش تیمم کاملاً راضی هستم. ما توانستیم فوتبال خودمان را به دنیا نشان دهیم.



سرمربی آلتلیکو مادرید عنوان کرد: این تیم فصل گذشته در فوتبال اروپا انقلاب ایجاد کرد. آلتلیکومادرید فصل گذشته یکی از تیم‌های موفق فوتبال اروپا بود که توانست به قهرمانی در لیگا برسد. این تیم همچنین به فینال لیگ قهرمانان اروپا نیز صعود کرد که در فینال برابر رئال مادرید شکست خورد تا دوم شود. خیلی از بازیکنان آلتلیکو مادرید پس از این موفقیت‌ها این تیم را ترک کردند. دیگو سیمئونه سرمربی آرژانتینی آلتلیکومادرید درباره شرایط تیمش در فصل قبل گفت: فکر می‌کنم ما انقلابی در فوتبال اروپا ایجاد کرده‌ایم. ما در لیگ قهرمانان اروپا بگیرد.

رونالدو:

رئال بهترین بازیکن جام جهانی برزیل را جذب کرد



ستاره سابق تیم ملی فوتبال برزیل به ستایش از تونی کروس پرداخت و او را بهترین بازیکن جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل دانست. تونی کروس بازیهای درخشانی برای تیم ملی فوتبال آلمان در جام جهانی ۲۰۱۴ به نمایش گذاشت و سهم بسزایی در قهرمانی این تیم داشت. روزنامه مارکا اسپانیا از قول رونالدو مهاجم سابق برزیل و بارسلونا نوشت: رئال بهترین خرید را داشت. فلورنتینو پرس بازیکنی به نام کروس را جذب کرده است که تمام فاکتورهای یک بازیکن خوب را دارد. او به خوبی می‌داند که چگونه توپ را به گردش درآورد و به تیمش کمک کند. می‌خواهم به سران رئال به خاطر جذب کروس تبریک بگویم. آنها بهترین بازیکن جام جهانی را جذب کردند. تونی کروس در زمانی که هاینکس هدایت بایرن را برعهده داشت از بازیکنان کلیدی و تاثیر گذار تیم بود.

و موفق شد سه گانه فوتبال اروپا و آلمان را به دست آورد اما بعد از آمدن پپ گواردیولا، کروس به بازیکنی نیمکت نشین تبدیل شد و در نهایت تصمیم گرفت باورایی‌ها را ترک کند و رئال را به عنوان مقصد بعدی خود انتخاب کند. کروس تنها بازیکن سرشناسی نیست که رئال جذب می‌کند. پرس رئیس متمول کهکشانیها قصد دارد رودریگز ستاره تیم ملی کلمبیا را هم با ۸ میلیون یورو جذب کند. رودریگز با ۶ گل به عنوان بهترین گلزن جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل انتخاب شد.

Mandegar

مشرانو جرگه:

د شمالي وزيرستان په کېدوالو کې د وسله والو له

شتون نه اندېښمن يو



چارواکي د جنگياليو شتون ردوي. د مشرانو جرگې غړي...

د خوست د ملي امنیت رییس په کېدوالو کې د وسلو او جنگیالیو د شتون په اړه معلومات رانکړل د مشرانو جرگې غړي وايي، اندېښمن دي، چې په خوست کې د پنځه دېرش زره کورنیو کې به وسله وال جنگیالی هم وي؛ خو وايي، چې په خوست کې له چارواکيو او کېدوالو سره په لیدنه کې هغوی ورته ویلي، چې راغلي کېدوال عادي وگړي دي. د مشرانو جرگې غړي دغه راز وايي، د خوست امنیتي چارواکيو له کېدوالو نه کابو شپږ سوه سپکې وسلې هم ترلاسه کړي دي. له بلې خوا پوځي شنونکي وايي، چې له شمالي وزيرستان څخه خوست ته دوه ډلې کېدوال راځي چې یو یې عادي وگړي او بل وسله وال جنگیالی. خو د خوست

کمیسیون انتخابات:

هیچ چیزی از دید ناظران پنهان نیست



آقای نور گفت قرار است امروز حدود ۵۰ درصد صندوق‌های رای دهی از ولایات به کابل انتقال داده شوند: «نزدیک به ۵۰ فیصد تمام صندوق‌ها به دفتر مرکزی کمیسیون انتخابات انتقال یافته است. قرار است که امروز صندوق‌های ولایات زون شرق که در آن ننگرهار، کنر، لغمان و نورستان شامل است به دفتر مرکزی کمیسیون انتخابات مواصلت می‌کند.» نظارت گسترده

براساس اظهارات مقام‌ها در کمیسیون مستقل انتخابات روزانه ۱۳۲۶ تن از ناظران ملی و بین‌المللی روند تفتیش را نظارت می‌کنند. این کمیسیون می‌گوید این نظارت به شیوه‌ی صورت می‌گیرد که هیچ چیزی از دید ناظران پنهان نیست و همه مطمئن هستند که تفتیش بدون طرفداری از نامزدان به پیش می‌رود.

کمیسیون انتخابات می‌گوید که تعداد ناظران دو نامزد ریاست جمهوری به ۶۶۶ نفر رسیده که در دو وقت از روند تفتیش نظارت می‌کنند. این کمیسیون شمار ناظران بین‌المللی را ۳۳۸ تن اعلام کرد.

صدها ناظر نهادهای مدنی و نهادهای ناظر انتخاباتی داخلی نیز از روند تفتیش نظارت می‌کنند. به گفته آقای نور، شمار ناظران داخلی به ۳۲۲ تن می‌رسد.

سخنگوی کمیسیون انتخابات گفت که ناظران به اندازه کافی آموزش ندیده اند و به همین دلیل تفتیش آرا با کندی به پیش می‌رود. او گفت دلیل دیگر کندی در روند تفتیش آرا عدم حضور ناظران بین‌المللی در تمام تیم‌های تفتیش است. نور گفت: «تا زمانی که نماینده‌های کاندیدان و ناظران بین‌المللی و کارکنان ملل متحد در هر تیم حضور پیدا نکنند، مشکل است که ما تیم‌ها را بیشتر بسازیم. لازم است تعداد ناظرین بیشتر شود تا ما با سرعت عمل بیشتری کار کنیم.» با وجودی که حالا تفتیش آرا در دو وقت کاری و با حضور ۱۰۰ تیم به پیش می‌رود ولی کندی در کار تفتیش هنوز نگرانی اصلی است.

کمیسیون انتخابات اعلام کرد که در پنجمین روز تفتیش آرا، ۵۰ تیم پیش از ظهر و ۵۰ تیم دیگر بعد از ظهر صندوق‌ها را تفتیش می‌کنند. پس از این قرار است ناظران و کارمندان کمیسیون در دو وقت کاری فعالیت کنند.

کندی در روند تفتیش آرا یکی از انتقادهای اصلی در روزهای گذشته بود. ناظران می‌گفتند در صورتی که این روند با سرعت بیشتری به پیش نرود، ممکن است اعلام نتیجه انتخابات چند هفته دیگر نیز به تعویق بیفتد.

نور محمد نور، سخنگوی کمیسیون مستقل انتخابات روز دوشنبه ۳۰ سرطان ۱۳۹۳ در یک کنفرانس خبری در کابل گفت: «امروز ۷ صبح روند تفتیش در دو گدام از سر گرفته شده و گفته می‌توانیم که تعداد تیم‌ها بیشتر شده است. در مجموع پنجاه تیم در شیفت اول و پنجاه تیم هم در شیفت دوم موظف شده اند تا روند را تفتیش کنند.»

کمیسیون انتخابات می‌گوید تاکنون ۹۴۷۶ صندوق رای دهی از ولایات مختلف توسط نیروی هوایی آیساف به کابل انتقال داده شده است.

یک نهاد بین‌المللی حامی حقوق زنان:

تلاش‌هایی وجود دارد

که دست‌آوردهای زنان را عقب بزند



مدیکا موندیاله، سازمان آلمانی حامی حقوق زنان در مورد امنیت زنان در افغانستان ابراز نگرانی کرده است. این سازمان گفته است که کارمندان زنانش در افغانستان همواره مورد تهدید قرار گرفته‌اند.

میشیلد بوخهولتس، سخنگوی سازمان مدیکا موندیاله به خبرگزاری آلمانی «ای پی دی» گفت: «تلاش‌هایی وجود دارد که دست‌آوردهای کنونی در بخش حقوق زنان را عقب بزنند.» به گفته او، بعد از شروع خروج نیروهای بین‌المللی محافظه کارانی که می‌خواهند فعالیت زنان را محدود سازند قویتر شده‌اند.

گزارش سالانه ۲۰۱۳ سازمان مدیکا موندیاله نشان می‌دهد که موارد گزارش شده خشونت علیه زنان در افغانستان ۲۵ درصد افزایش یافته است. براساس آمار کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در نیمه نخست سال گذشته ۴۱۵۴ واقعه خشونت علیه زنان ثبت شده است، در حالی که این آمار در این مقطع زمانی سال ۲۰۱۲ میلادی ۳۳۳۱ واقعه بوده است.

بوخهولتس گفت: «البته معلوم نیست که واقعا خشونت علیه زنان افزایش یافته است یا این که زنان اعتماد بیشتر یافته و موارد خشونت از سوی پدران و شوهران شان را به پولیس گزارش می‌دهند.» سازمان مودیکا موندیاله در سال گذشته از ۵۵۶ زن افغان در محکمه نماینده‌گی کرده است.

سخنگوی مدیکا موندیاله افزوده است که زنان فعال حقوق بشر و کارمندان زن سازمان‌های امدادی به صورت فزاینده هدف حمله قرار می‌گیرند. او گفته است: «کارمندان زن مدیکا موندیاله همواره توسط پیام‌های کتبی تلفونی مورد فحاشی یا تهدید قرار می‌گیرند.» به گفته او، فعالان حقوق زن برای مقابله با تهدیدها مجبور شده‌اند که قویاً به صورت شبکه‌ای...

ادامه صفحه ۶

فرار هفت زندانی

از زندان جنایی پروان

هفت تن از زندانیان جنایی از زندان ولسوالی بگرام موفق به فرار از زندان شدند.

عبدالشکور قدوسی ولسوالی بگرام ولایت پروان با تایید این خبر به خبرگزاری جمهور گفت: «هفت تن از زندانیان جنایی این ولسوالی شب گذشته موفق به فرار از زندان شده بودند که با تلاش نیروهای پولیس چهار تن‌شان دوباره توسط پولیس بازداشت شدند. اما سه تن از آنها موفق به فرار شدند.»

آقای قدوسی تصریح کرد: «این زندانیان جنایی زمانی یا به فرار گذاشتند که یک تن از آنها هنگام سحر خود را مریض انداخته بود. زمانی که دروازه به روی شان باز می‌شود؛ بالای افسر پولیس حمله می‌کنند. درگیری صورت می‌گیرد و موفق به فرار می‌شوند.»

در زندان جنایی ولسوالی بگرام ولایت پروان بیش از ۲۲ تن زندانی دارد که به اتهامات مختلف توسط نیروهای پولیس از مربوطات این ولسوالی بازداشت شدند.



www.mandegardaily.com



MandegarDailyNews



روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان

و اساتید دانشگاه



- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

- سه ماهه - ۱۰۰ دالر
- شش ماهه - ۲۰۰ دالر
- نه ماهه - ۳۰۰ دالر
- یک ساله - ۴۰۰ دالر



- نارسیده به منزل یا دفاتر
- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



- سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
- یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰